

در اقدامات اطلاعاتی پلیس تهران فاش شد

# اعتراف مسافر یونان به سرقت طلا فروشی بازار تهران



**گروه حوادث:** دزد طلا فروشی بازار تهران که به یونان فرار کرده بود در دام پلیس افتاد. این مرد وقتی به صورت غیرقانونی به خاک ایران باز گشته بود نمی دانست پلیس با اقدامات اطلاعاتی در یک قدمی او است. **سرقت طلایی** چندی پیش ماموران پلیس کلانتری ۱۱۳ بارار تهران در جریان سرقت عجیبی از یک طلا فروشی در محدوده بازار قرار گرفتند که در آن دزدان در غیاب مرد جواهر فروش تهرانی براحتی داخل مغازه شده و به سرقت ۳ کیلو گرم طلا دست زده بودند. **تجسس های پلیسی** با دستور باز پرس داسرای ناحیه

### خبر

شکارهای راننده مسافر کش در دادگاه گریه می کردند

## سر نوشت تلخ دو نوجوس در ارابه شیطان

**گروه حوادث:** ۲ نوجوس که در دام راننده شیطان صفت افتاده بودند در جلسه دادگاه گریه کردند. یک سال پیش دوزن جوان همزمان نزد پلیس رفتند و ادعای شومی کردند. آنها گفتند که راننده شیطان صفت یک پراید به بهانه مسافر کشی به شکارهای سیاه دست می زند. بررسی ها از این ۲ زن نشان داد مرد راننده ابتدا با گاز اشک آور به آنها حمله کرده سپس با وجود دست درازی های شوم به زنان تجاوز نکرده است. با دستور باز پرس پرونده خیلی زود تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران وارد عمل شدند و توانستند راننده ارابه شیطان را دستگیر کنند. مرد شیطان صفت ابتدا ادعای بی گناهی کرد و وقتی دید چاره ای جز اقرار ندارد در بازجویی ها اعتراف کرد به خاطر بارداری همسرش تحت فشار بوده است و به همین دلیل دست به چنین رفتاری زده است.

**در دادگاه**

این مرد دیروز به همراه ۲ زن مسافر در شعبه ۴ دادگاه کیفری استان تهران حاضر شد و تحت محاکمه قرار گرفت.

شان نیز نیست در بررسی میدانی مغازه طلا فروشی دریافتند آنجا مجهز به دوربین های مدار بسته است.

با بررسی تصاویر دوربین های مدار بسته حجره طلا فروشی کار آگاهان دیدند یکی از شاگردان طلا فروشی به نام محسن ۲۶ ساله با سواستفاده از موقعیت خود و اعتماد صاحب طلا فروشی در رفتاری کاملاً خونسردانه و در چندین نوبت اقدام به سرقت طلاجات از داخل آن کرده است.

**تغقیب دزد طلایی**

با مشخصاتی که از دزد طلاها به دست آمده بود کار آگاهان وارد عمل شدند تا او را به دام اندازند.

این مسیر پلیسی پس از اینکه هیچ ردپایی از محسن در خانه شان و پاتوق های احتمالی و حتی شهرهای مختلف به دست نیامد به بن بست خورد.

در شاخه دیگری بررسی های اطلاعاتی نشان داد که محسن بلافاصله بعد از سرقت از طریق مرز هوایی خاک ایران را ترک کرده است.

**رد پای دزد در یونان**

مسیر فرار محسن از ایران تحت بررسی قرار گرفت و مشخص شد این دزد طلایی پس از چرخیدن در کشورهای مختلف سرانجام خود را به یونان رسانده و در آنجا زندگی پنهانی ای دارد.

**پلیس اینترپل**

با این سرخ باز پرس پرونده در دستوری قضایی به اینترپل ایران خواست تا دزد فراری را با اقدامات دیپلماتیکی و پلیسی در یونان دستگیر و به تهران انتقال دهند.

**فرضیه ای قوی**

همزمان با این اقدامات برون مرزی کار آگاهان با توجه به زمان سرقت و

زمان فرار محسن از ایران دریافتند که او تنها بخش کوچکی از طلاهای سرقتی را به فروش رسانده است. بدین ترتیب، فرضیه ای قوی مبنی بر اینکه بقیه طلاها در خاک ایران مانده باشند قوت گرفت و این در حالی بود که به نظر نمی رسید محسن بخواهد با بازگشت به تهران باز به تن خریدن خطر دستگیری به فروش باقی طلاهای سرقتی دست بزند. همین کافی بود تا شاخه تازه ای از تحقیقات پیش روی کار آگاهان قرار گیرد و آنها به جست و جوی همدستان احتمالی محسن بپردازند.

**۲ همدست**

همین فرضیه کافی بود تا کار آگاهان به سر نخی از ۲ مرد که دوست صمیمی محسن بودند دست یابند. این دو مرد که اکبر و نعمت نام دارند تحت نظر قرار داده شدند و تجسس های اطلاعاتی کار آگاهان نشان داد آنها مدتی است که ولخرجی های عجیبی دارند.

بدین ترتیب در عملیاتی غافلگیرانه اکبر و نعمت دستگیر شدند و در حالی که باور نداشتند راز شان لو رفته است اصرار به بی گناهی کردند.

**اعتراف**

۲ مرد مرمرز که تصور داشتند با سکوت خود می توانند پلیس را فریب دهند وقتی دیدند رابطه شان با محسن فاش شده است و اقدامات مخابراتی نشان می دهد آنها لحظه به لحظه با دزد طلایی در تماس هستند چاره ای جز اقرار ندیدند. اکبر گفت: من و نعمت هیچ دخالتی در سرقت طلاها نداشتیم محسن خودش بارها گفته بود می خواهد به طلا فروشی محل کارش در بازار تهران دستبرد بزند و فرار کند. وی افزود: وقتی محسن طلاها را

سرت کرد چون می دانست شناسایی می شود و باید بلافاصله از ایران فرار کند پیشاپیش بلیت هواپیما را گرفته بود و بار سفر را بسته بود او از ما خواست کمکش کنیم ما ابتدا نپذیرفتیم اما پیشنهادش وسوسه آمیز بود قبول کردیم اگر ما مادر طلاها شریک کند در غیاب او طلاها را بفروشیم و پول سهم او را برایش به یونان بفرستیم همین کار را هم کردیم در غیاب مستحم طلاها را به ۲ خریدار در بازار تهران که با آگاهی از سرقتی بودن آنها زیر قیمت خریدند فروختیم و سهم محسن را برایش فرستادیم. نعمت نیز گفت: ما وسوسه شدیم اگر می دانستیم دستگیری می شویم چنین ریسکی نمی کردیم ما نحوه فروش و قیمت خریدار را لحظه به لحظه به محسن خبر می دادیم و بعدمی فروختیم ما دستانی صمیمی بودیم و حتی من واکبر قبل از سرقت از محسن خواستیم چنین کاری نکند اما گوش نداد و ما را هم آلوده کرد.

**بازداشت مالخران طلایی**

تیم پلیسی با همین اعترافات سراغ دو مالخر طلایی در بازار تهران رفت و آنها را بازداشت کرد.

این ۲ مرد تبهکار که ادعای می کردند اطلاعی از سرقتی بودن طلاها نداشتند وقتی با نعمت و اکبر مواجه حضوری داده شدند چاره ای جز اقرار ندیدند و مالخری را به گردن گرفتند.

**بازگشت از یونان**

همه این عملیات هادر حالی صورت می گرفتند که همزمان تیم اینترپل ایران و یونان در جست و جوی محسن در آنسوی آب ها بودند.

وقتی مشخص شد که دزد طلایی خاک یونان را ترک کرده است مسیر حرکتی او تحت بررسی اطلاعاتی قرار

گرفت و مشخص شد محسن با اطلاع از اینکه اگر قانونی وارد خاک ایران شود دستگیر خواهد شد خود را به ترکیه رسانده و از طریق مرز کوهستانی و توسط قاچاقچیان انسان وارد ایران شده و در شهر مرزی خوی در استان آذربایجان غربی پنهان است.

**بازداشت دزد طلایی**

همین سر نخ کافی بود تا دستور قضایی تیمی از ماموران پایگاه ۷ پلیس آگاهی تهران به شهرستان خوی اعزام شوند و خود را به پشت در مخفیگاه محسن برسانند. محسن در حالیکه شوکه شده بود روز ۱۱ مهر ماه امسال دستگیر شد و خیلی زود به تهران انتقال یافت تا بازجویی شده و پرده از جزئیات سرقت بردارد.

**اعتراف**

محسن که هنوز باور نداشت نقشه ماهرانه اش لو رفته باشد و در تهران روبروی مرد طلا فروش قرار بگیرد در بازجویی ها جزئیات دسیسه سرقت طلایی را فاش کرد. این تبهکار در بازجویی ها به افسر تحقیق گفت: از مدت ها پیش در طلا فروشی کار می کردم و اعتماد صاحبکارم باعث شد با اختیاراتی که داشتم به وسوسه بیفتم. وی افزود: من بد کردم اما دنبال یک زندگی رویایی در آنسوی آب ها بودم نقشه کشیدم بلیت ترکیه را خریدم بعد سرقت کردم و با نعمت و اکبر هماهنگ بودم تا طلاها را بفروشند. محسن در پایان گفت: در یونان نتوانستم دوام بیاورم آدمم ایران تا پول ها را برداشته و در یکی از شهرها زندگی کاملاً متفاوتی داشته باشم اصلاً باورم نمی شود من و دوستانم دستگیر شده باشیم. بنابه این گزارش؛ تحقیقات پلیسی برای افزایش جزئیات این سرقت و فرار ادامه دارد.



در آن نیست و من کاری نکردم زندگی ام از بین برود. هر دو شاکی دروغ می گویند آنها خودشان می خواستند با من رابطه داشته باشند که من قبول نکردم.

سپس وکیل مدافع او صحبت کرد و درخواست کرد با توجه به اینکه تجاوزی انجام نگرفته است و پزشکی قانونی هم تایید کرده تجاوزی به این دو زن انجام نگرفته درخواست دارم او را تبرئه کنید.

بنابه این گزارش؛ در پایان هیات قضات وارد شور شدند و با توجه به گفته های شاکیان و متهم و با توجه به اعترافش تلویحی او قرار وثیقه مرد متهم را به بازداشت تبدیل کرده و او را به زندان منتقل کردند.

نمی توانند نزد خانواده اش باز گردند!!».

با توجه به اظهارات مریم، کار آگاهان ردیابی دختر نوجوان را در دستور کار خود قرار داده و با انجام اقدامات پلیسی موفق به شناسایی خانه مسعود در پاکدشت شدند.

همین کافی بود تا دستور باز پرس شعبه هفتم داسرای ناحیه ۲۷ تهران کار آگاهان در یک عملیات ضربتی به دستگیری مسعود و داییش به نام سعید دست بزنند. مسعود در تحقیقات پلیسی ابتدا اقامد به آدم ربایی و آزار شیطانی دختر نوجوان را نپذیرفت و گفت که در ساعت ۵ عصر ۱۲ شهر یومراه دختر نوجوان را ملاقات کرده و در ساعت ۹ شب از هم جدا شده اند و دیگر اطلاعی از سرنوشت وی ندارد؛ همچنین سعید نیز در تحقیقات اولیه مدعی شد که تاکنون

### اخبار حوادث

**حمله یک مرد به باشگاه**

**بدنساز ی زنا نه در تبریز**

مردی با در دست داشتن سلاح گرم عصر به باشگاه بدنسازی بانوان در تبریز حمله کرد.

این حادثه حوالی ساعت ۱۸ روز سه شنبه رخ داد و در جریان آن فرد مسلحی با تهدید پول ها و لوازم قیمتی بانوان حاضر در باشگاه را به سرقت برد.

به گفته یکی از شاهدان عینی این مرد با تهدید سلاح گرم تلاش داشت هر آنچه که به دست اش می رسید بردارد و محل را ترک کند.

وی گفت: با توجه به شوکه شدن همه حاضران وی با سرعت هر آنچه را که می توانست برمی داشت.

این فرد گفت: این مرد جوان که سیاه پوشیده بود با محاسن زیاد مدت حدود نیم ساعت در باشگاه عربده کشی کرد و بانوان حاضر را تهدید کرد که «اگر با پلیس تماس بگیرم همه تان را می کشم!»

این زن حاضر در محل حادثه اضافه کرد: همه حاضران را رو به دیوار کرده بود و قصد داشت هر آنچه که پول یا طلا بود به سرقت ببرد البته پول ها را گرفت و طلای دختری که قصد داشت با پلیس تماس بگیرد را هم گرفت.

به گفته این بانو چهره سارق مسلح مشخص نبود و وی هیچ نقاب یا محافظی هم بر صورت نداشت.

خوشبختانه در این حادثه به کسی آسیبی نرسید.

■ ■ ■

**درگیری مرگبار ۲ معلم زن جانی**

اختلاف بین دو معلم باعث قتل و مرگ یکی از آنها شد.

جعفر رحمتی رئیس پلیس آگاهی استان زنجان اظهار کرد: طی چندروز گذشته اختلافات بین دو همکار که با آموزش و پرورش به عنوان معلم همکاری داشتند؛ منجر به قتل یک نفر شد. رئیس پلیس آگاهی استان زنجان با بیان اینکه اختلاف این دو همکار به چند سال قبل برمی گشته است و همین امر موجب انگیزه قتل شده است، گفت: بر همین اساس یک معلم حق التدریسی که البته در حال حاضر همکاری با آموزش و پرورش ندارد؛ شخصی که رابطه پیمانی داشته را به قتل رسانده است.

وی با اشاره به اینکه طبق بررسی کار آگاهان پلیس آگاهی مشخص شد که قاتل؛ مقتول را با ضربات چاقو به قتل رسانده است، گفت: این قتل با تلاش کار آگاهان آگاهی خدابنده و با کشف آلت قتاله کشف شد.

رحمتی با بیان اینکه قاتل و مقتول در بازه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال بوده اند، تصریح کرد: در این قتل نیز عدم کنترل و خشم موجب قتل شده است

■ ■ ■

**خود کشی یک بوکانی از روی بل**

یک جوان ۲۵ ساله بوکانی از روی بل امیرآباد این شهر دست به خود کشی زد.

مدیر روابط عمومی آتش نشانی و خدمات ایمنی بوکان گفت: صبح چهارشنبه مرد جوانی از روی بل امیرآباد بوکان به پایین سقوط کرد و متأسفانه پس از لحظاتی جان سپرد.

طاهر فیضه افزود: این جوان ۲۵ ساله علی رغم تلاش ماموران آتش نشانی و اورژانس پس از لحظاتی در محل فوت کرد.

وی در خصوص دلیل این اقدام جوان بوکانی اظهار داشت: علت این حادثه در دست بررسی قرار گرفته است، اما با توجه به گفته های شاهدان عینی و حضور بنسده در محل، این جوان به قصد خود کشی خود را از روی بل به پایین پرت کرد.

■ ■ ■

**رهایی گروگان در دلگان**

فردی که در شهرستان دلگان ۴ روز در اسات گروگانگیران بود، با تلاش سربازان گمنام رهایی یافت.

عصر سه شنبه جوان جیرفتی گروگان گرفته شده با تلاش سربازان گمنام امام زمان در دلگان آزاد و به آغوش خانواده خود بازگشت. سرگزایی فرمانده ناحیه سپاه شهرستان دلگان با اعلام این خبر گفت: این گروگان بعد از گذشت چهار روز تلاش پاسداران گمنام امام زمان (عج) سپاه در دلگان، معتمدان و ریش سفیدان از چنگال آدم ربایان آزاد شد.

حمید س. گروگان آزاد شده ضمن قدردانی از پاسداران گمنام سپاه شهرستان دلگان، عنوان کرد: آدم ربایان من را به قدا اخاذی از خانواده ام ر بوده بودند.

گفتنی است حمید س. از اهالی جیرفت استان کرمان است.